

مطالعه و توصیف آجرهای لعابداری مکشوفه از سه فصل کاوش محوطه ربط ۲

دکتر علیرضا هژبری نوبری*

ریحانه عقیقی**

چکیده

تپه شماره ۲ ربط سردشت در استان آذربایجان غربی و در کناره شرقی رودخانه زاب کوچک قرار گرفته و تا کنون سه فصل از کاوش باستان شناسی آن می گذرد. موقعیت تپه شماره ۲ ربط در بخش جنوب غربی حوزه سرزمینی مانا و متأثر از دو حوزه امپراتوری آشور و اورارتو و تأثیر و تأثرات این حکومت‌ها بر یکدیگر و آشنایی با زوایای تاریک این قدرتها در شمال غرب ایران، بر جنبه‌های باستان شناختی مطالعات و پژوهشها در تپه ربط ۲ می افزاید.

ماحصل سه فصل پژوهش در این محوطه دست یابی به مدارک سفالی، آجری و معماری است که برخی از آنها برای اولین بار در شمال غرب ایران به دست می آیند. در این بین آجرهای لعابداری محوطه ربط سردشت که نمونه‌های مشابه آنها پیشتر از تپه قالاچی بوکان بدست آمده، جایگاه مهمی در زمینه مطالعات هنری، فنی و بازشناسی جنبه‌های مذهبی، سیاسی و اجتماعی ساکنان این محل دارند. آنچه به اهمیت این آجرها می افزاید وجود نمونه‌های کتیبه‌دار لعابداری است که ترجمه آن حکایت از نام خدایان، سرزمین و ایالتی مانایی دارد. بی تردید شناخت جامع‌الاطراف آجرهای مکشوفه با عنایت به اینکه کاوش در این محوطه سالهای نخستین خود را می گذراند؛ می‌تواند مبنای مناسبی جهت طبقه بندی علمی این یافته‌های ارزشمند باشد.

کلید واژه: شمال غرب ایران، عصر آهن، جنوب دریاچه ارومیه، مانا، آشور، ربط سردشت، آجرهای لعابداری.

* دانشیار گروه باستان شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

** دانش‌آموز محقق کارشناسی ارشد باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر - re_afifi@yahoo.com

درآمد

استان آذربایجان غربی به لحاظ موقعیت جغرافیایی جایگاه ارزشمندی در مطالعات علمی باستان شناسی داشته و حکایت از سکونت انسان حداقل از هزاره های نهم و هشتم قبل از میلاد دارد. دیگر شواهد باستان شناسی، از شکل گیری استقرارها و روستاهای اولیه در نقاط مختلف آذربایجان غربی مانند تپه حاجی فیروز، تپه جلبر، تپه اهرنجان، گوی تپه، تپه حسنلو و ... داشته و نشانگر قدمت دیرینه سکونت انسان و شکل گیری فرهنگ و تمدن در این منطقه است. آثار بدست آمده از کاوش های باستان شناسی و وجود کتیبه های گوناگون در این خطه بیانگر ارتباطات گسترده جوامع انسانی ساکن در این منطقه در طول هزاره های سوم، دوم و اول پیش از میلاد با ساکنان مختلف فلات ایران و حتی خارج از فلات ایران همچون هوریان، لولویان، گوتیان، اورارتو و مانا است. حوزه فرهنگی شمالغرب از نظر پیشینه بررسی های باستان شناختی نیز در فلات ایران جایگاه ارزشمندی دارد (رزاقی و فهیمی، ۱۳۸۴: ۵۲).

این مطالعات علی الخصوص در عصر آهن همواره مورد توجه بوده و سابقه آن به حدود سالهای ۱۹۵۷ م می رسد. مرحله پر بار مطالعات باستان شناختی عصر آهن با فعالیتهای رابرت دایسون در سال ۱۹۵۷ م در تپه حسنلو آغاز گردید. حفاری تپه حسنلو قسمتی از برنامه وسیعی بود که اهداف آن عبارت بودند از: شناخت وضعیت باستان شناختی پیش از تاریخ تمام آذربایجان، تحقیق درباره عصر آهن و شناسایی وضعیت باستانشناختی منطقه تا قبل از مهاجرت ایرانیان (طلائی، ۱۳۷۳: ۴۲). گوی تپه، تپه دین خواه، هفتوان تپه، کردلر تپه، تپه قالاچی، قلعه بسطام و همچنین محوطه ربط ۲ از جمله مهمترین محوطه های عصر آهن در شمالغرب ایران اند.

موقعیت جغرافیایی شهرستان سردشت

شهرستان سردشت با وسعتی حدود ۱۵۱۶/۲ کیلومترمربع در منتهی الیه جنوب غربی آذربایجان غربی واقع شده (نقشه شماره ۱) (افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ۹۴۳) و یکی از شهرهای کردنشین استان است. این شهرستان از شمال در ۹۰ کیلومتر پیرانشهر، از جنوب در ۶۰ کیلومتری بانه و از جنوب غربی در ۱۲۰ کیلومتری همدان قرار دارد. همچنین این شهرستان با ۳۰ کیلومتر فاصله از

جمله مسیرهای منتهی به کشور عراق بوده و طول نوار مرزی آن با عراق ۹۶ کیلومتر است. ارتفاع سردشت از سطح دریا ۱۷۸۹ متر است و بین ۳۶ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی نسبت به خط استوا و ۴۵ درجه و ۴ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف النهار گرینویچ قرار دارد (حکیم زاده، ۱۳۸۳: ۲).

شهرستان سردشت از سه شهر سردشت، میرآباد و ربط تشکیل شده و همچنین دو بخش (شامل شش دهستان) بنامهای مرکزی و وزینه دارد. بخش مرکزی شامل دهستانهای آلان (به مرکزیت اسلام آباد)، باسک کولوسه (به مرکزیت بریسوی) و گورگ سردشت (به مرکزیت ربط) و بریاجی (به مرکزیت بیوران سفلی) و بخش وزینه نیز شامل دهستانهای گورگ نعلین (به مرکزیت میرآباد) و ملکاری (به مرکزیت نلاس) است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۳: ۱) (نقشه شماره ۲).

بر اساس تقسیم بندی های پیشین سیاسی، شهر ربط روستایی بزرگ و مرکز دهستان گورگ سردشت به شمار می رفت که فاصله آن تا سردشت راه آسفالتی ی پر پیچ و خمی به طول ۱۷ کیلومتر است (حیدری، ۱۳۸۶: ۲۰۳). از لحاظ طبیعی شهر ربط در منطقه ای کوهستانی واقع شده و دارای آب و هوای نسبتاً مدیترانه ای تا سرد سیر است. با توجه به کوهستانی و جنگلی بودن منطقه، میزان بارندگی در این حوزه حدود ۷۰۰ الی ۸۰۰ میلی متر در سال گزارش می شود (کارگر، ۱۳۸۴: ۳۱۹).



نقشه شماره ۱: موقعیت و تقسیمات سیاسی استان آذربایجان غربی.

محوطه ی شماره ۲ ربط در جنوب غربی این شهر و در فاصله میان دره ای موسوم به دره ی کانی سیو از تپه شماره ی ۱ جدا می شود. وسعت این تپه حدود ۱۷ هکتار است و طول و عرض

در کناره ی رودخانه ی سردشت (بخشی از رودخانه زاب کوچک) قرار دارد. این محوطه از مکان های مهم مانای است و با دژ سنگی کوهستانی از نوع استحفاظی محافظت می شد. از این محل آجرهای ساده و انواع لعابدار مشابه با آجرهای قلاچی جمع آوری شده است» (۱۳۸۳: ۲۳۰).

با توجه به گسترش روز افزون حفاری های غیر مجاز در این محوطه ی باستانی و اهمیت باستان شناختی محوطه، کاوش در آن ضروری به نظر می رسید. بر همین اساس، اولین فصل کاوش باستان شناسی در محوطه باستانی ربط به سرپرستی بهمن کارگر در سال ۱۳۸۴ انجام پذیرفت که ماحصل آن به عنوان گزارش اولین فصل کاوش محوطه ربط ۲ به پژوهشکده ی باستان شناسی کشور ارسال گردید. فصل دوم و سوم کاوش در محوطه ربط ۲ نیز به سرپرستی رضا حیدری به انجام رسید (۱۳۸۵: ۷).

دستاوردهای پژوهشی محوطه ربط ۲

ساختارهای معماری اولین بخش از یافته های باستان شناختی محوطه ربط را تشکیل می دهند. این داده ها از ترانسه های واقع در شمال، جنوب و مرکز محوطه بدست آمده و شامل دیوارهایی با ابعاد متفاوت و ساخته شده با مصالحی چون آجر، خشت، سنگ و گل (به عنوان ملاط) هستند (کارگر، ۱۳۸۴: ۳۵). کفهای سنگ فرش نیز از دیگر آثار معماری محوطه بوده و عمدتاً با قلوه سنگهای رودخانه ای که به وفور در حاشیه رود زاب یافت می شوند؛ ساخته شده اند. این سنگفرشها از وجوه بارز هنری و یکی از نشانه های متقن ذوق و نبوغ ساکنان این محل به شمار می روند. متأسفانه بخش هایی از این سنگفرشها به دلیل حفاری های غیر مجاز آسیب دیده و یا از بین رفته اند. فرم کلی آنها به شکل ۷ دایره ای تو در تو در کادری مربعی به ابعاد ۱۶۰×۱۶۰ سانتی متر است (حیدری، ۱۳۸۶: ۲۰۵). در مرکز سنگفرش سنگ گردی قرار دارد که تمامی دواير تشکیل دهنده حول آن قرار گرفته اند. سنگهای دیگر متناسب با این سنگ کانونی، به صورت عمودی و افقی قرار دارند؛ یعنی پس از یک ردیف سنگ چین عمودی، یک دور سنگ چین افقی وجود دارد (تصویر شماره ۲).

کادر بندی دور این دواير نیز با بهره گیری از همان قلوه سنگ های رودخانه ای بوده و به صورت خوشه های گندم است. بین

جغرافیایی آن به ترتیب $6^{\circ} 12' 36'' N$ و $23^{\circ} 32' 45'' E$ و ارتفاع آن از سطح آبهای آزاد ۱۱۵۰ متر است. تپه در زبان محلی به بانی دومان موسوم است (تصویر شماره ۱) (حیدری، ۱۳۸۵: ۶).



نقشه شماره ۲: موقعیت جغرافیایی و تقسیمات سیاسی شهرستان سردشت.

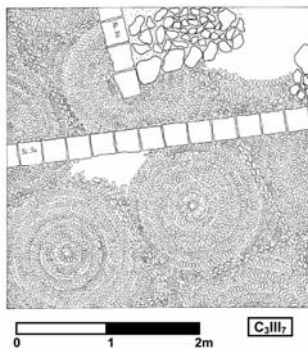


تصویر شماره ۱: نمای عمومی محوطه ربط ۲.

پیشینه ی مطالعات باستان شناسی در محوطه باستانی ربط

اولین مطالعات باستان شناختی در محوطه ربط به سال ۴۵-۱۳۴۴ باز می گردد. در آن زمان بابک راد به عنوان کارشناس وقت برای اولین بار تپه شماره ۱ ربط را مورد بررسی قرار داد و آن را در ۱۳۴۵/۱۰/۱۶ با تاریخ گذاری هزاره ی اول پیش از میلاد با شماره ۶۰۲ به ثبت رساند. سپس بهمن کارگر در سال ۱۳۶۴ این محل را مجدداً مورد بررسی کرده و در پی نوشت مقاله ی خویش در خصوص تپه قلاچی، در اولین همایش بین المللی باستان شناسی غرب ایران ارائه کرد. وی می نویسد: «تپه ربط ۲ در مجاورت غربی بخش ربط در سه راهی سردشت، بوکان و مهاباد

در یک مورد خاص در ترانشه C3III7 ساختاری سنگ‌چین با بهره‌گیری از لاشه و خرده سنگ بر روی سطح سنگفرش ساخته شده است. با مطالعه‌ی دقیق‌تر مشخص شد که سنگفرش بدون هیچ‌گونه تعارضی درست در زیر این ساختار سنگی ادامه دارد. می‌توان اینگونه استنباط کرد که سازندگان ساختار سنگ‌چین نه تنها سنگفرش‌های متحدالمرکز را دیده‌اند؛ بلکه تعمداً این سطح سنگی را ایجاد کرده‌اند. نکته‌ی دیگر اینکه سازندگان در قسمت جانبی بخش غربی این ساختار سنگی، آجرهایی به ابعاد ۳۴×۳۴ سانتی‌متر (در اندازه‌ی استاندارد آجرهای به کار رفته در کف) تعبیه کرده‌اند که این مسأله خود جالب توجه است (همان: ۲۰۶) (تصویر شماره ۴).



تصویر شماره ۴: سطح سنگ‌چین بر روی سنگفرش با دواير متحدالمرکز.

نکته‌ی قابل اشاره دیگر سطحی چلیپا شکل با خاک کوبیده شده است که در مرکز بخش ۳-های مورد کاوش و در داخل سنگفرش‌های متحدالمرکز قرار دارد. این ساختار از جنوب غربی به سمت شمال شرقی متمایل است. ابعاد آن از شمال به جنوب حدود چهار متر و از غرب به شرق حدود ۱۲ متر است. دو فضای مستطیل شکل به ابعاد ۸۰×۱۱۵ سانتی‌متر در منتهی

چهار دایره نیز لوزی‌هایی با رئوس کشیده قرار دارد و در ایجاد آنها تقارن و تناسب به کار رفته است. برای اتصال قلوه‌سنگها از ملاط گل سود برده‌اند (همان).



تصویر شماره ۲: بخشی از سنگفرش‌های محوطه ربط ۲.

به طور کلی، طرح سنگفرش‌ها مبتنی بر سه نقش هندسی مربع، دایره و لوزی است. افزون بر این، در برخی موارد در سطح سنگفرش، آجرهای ساده کار گذاشته شده است. این آجرها ابعاد متنوعی دارند: ۴۷×۴۷، ۴۰×۴۰، ۳۴×۳۴ سانتی‌متر. این ابعاد بی‌کم و کاست نشان دهنده‌ی فرم استاندارد آجرهای به کار رفته در کف است. تمامی آجرها ساده، اندکی زمخت و بدون لعاب‌اند و به نظر می‌رسد استفاده از این آجرها و تلفیق آنها با سنگفرش در دوره‌ی دوم بهره‌برداری از سطح سنگفرش رخ داده باشد؛ زیرا در برخی موارد سطوح آجری درست از وسط سنگفرش‌های متحدالمرکز می‌گذرند و آنها را می‌برند. ضمناً برای قرارگیری بهتر آجر در کنار سنگفرش‌ها در دو سوی آجرها از همان قلوه-سنگ رودخانه‌ای به کار رفته در دواير متحدالمرکز کار گذاشته-اند (تصویر شماره ۳).



تصویر شماره ۳: حرکت آجرها در کف سنگفرش دواير تو در تو.

یافته های آجری

آجر یکی از مهم ترین یافته های این محوطه است. این آجرها از نظر ابعاد و نقشه مایه های هنری به کار رفته در آنها متنوع اند. مجموعاً از فصل اول کاوش ۶۹۱ قطعه آجر (کارگر، ۱۳۸۴: ۳۸) و در فصل دوم آن ۷۹۰ قطعه آجر (حیدری، ۱۳۸۵) مورد مطالعه قرار گرفت. آجرهای سالم بدست آمده از دو فصل اول کاوش را می توان در چهار گروه آجرهای کامل، نیمه، چارک و کنگره ای طبقه بندی کرد (حیدری، ۱۳۸۵: ۶۵). این تقسیم بندی در هر دو فصل از کاوش مورد استفاده قرار گرفته است.

آجرهای کامل

بر اساس مطالعات انجام پذیرفته آجرهای کامل در ۹ اندازه ی متفاوت، سانتی متر، (۳۴/۵×۳۴/۵×۸/۵) سانتی متر، (۳۳×۳۳×۹/۵) سانتی متر، (۳۳×۳۳×۹) سانتی متر، (۳۴×۳۴×۹/۵) سانتی متر، (۳۳×۳۳×۱۰) سانتی متر، (۳۳/۵×۳۳/۵×۹) سانتی متر، (۳۴×۳۴×۹) سانتی متر، (۳۳×۳۳×۱۰) سانتی متر و (۳۳×۳۲/۵×۹) سانتی متر بدست آمده اند (حیدری، ۱۳۸۶: ۲۰۶) (تصویر شماره ۷).



تصویر شماره ۷: نمونه ای از آجرهای کامل، مکشوفه از کاوشهای محوطه ربط ۲.

آجرهای نیمه

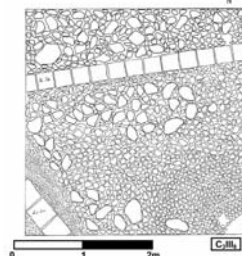
اندازه استاندارد آجرهای نیمه (۳۴/۵×۱۵×۸/۵) سانتی متر بوده و تعداد کمی از این نمونه بدست آمده است. آجرهای این گروه عموماً شکسته اند (همان، ۲۰۷) (تصویر شماره ۸).

ایه شرق و جنوب شرق این ساختار وجود دارد. فضای حاشیه ای و حایل بین این بخش و سنگفرش های متحدالمرکز، بوسیله نوارهایی با تزئینات خوشه گندمی از جنس قلوه سنگهای رودخانه ای پوشیده شده است (تصویر شماره ۵).



تصویر شماره ۵: نمای بخش چلیپایی شکل مکشوفه از فصل دوم.

مساله ای دیگر سنگ فرشهای ساده ای است که عموماً در شرق محدوده کاوش یافت شدند. این سنگ فرشها بدون شکل هندسی خاص و صرفاً به منظور مفروش کردن کف خاکی ساخته شده اند. سطح آجر چین در این بخش نیز ادامه دارد و در قسمتهایی، این سنگفرش های معمولی در کنار سنگفرش متحدالمرکز قرار می گیرد که حایل این دو از چیدمان سنگی به فرم خوشه گندم اجرا شده است (همان) (تصویر شماره ۶).



تصویر شماره ۶: نمایی از سطوح سنگفرش ساده در کنار سنگفرش -

مرمت شده این گونه از آجرهاست. لازم به ذکر است که تاکنون هیچ نمونه‌ی سالم از این گونه در محوطه ربط ۲ بدست نیامده است (همان: ۶۳) (تصویر شماره ۱۰).



تصویر شماره ۱۰: نمونه‌ای از آجرهای پازلی مکشوفه از کاوشهای محوطه ربط ۲

بیشترین تعداد آجرهای بدست آمده از دو فصل کاوش محوطه ربط ۲، از مرکز این محوطه کشف شده‌اند. این در حالی است که بدلیل عدم کشف نمونه‌های برج ۱ از یک سو و نبود هیچ دیوار منسجمی از سوی دیگر، برقراری ارتباط منطقی میان آجرهای مکشوفه تا اندازه‌ی زیادی غیر ممکن است. به علاوه به دلیل حجم فراوان حفاریهای غیر مجاز صورت پذیرفته در تمامی سطوح مورد کاوش در محوطه ربط ۲ (تصویر شماره ۱۱)، وضعیت درهم ریخته‌ی این محل به دلیل ساخت پایگاه نظامی بر روی محوطه (تصویر شماره ۱۲) و حجم اندک بخش



تصویر شماره ۱۱: بخشی از حفاری‌های غیر مجاز دیواره بخش ۳‌های شمالی ترانشه‌های مورد کاوش



تصویر شماره ۸: نمونه‌ای از آجرهای نیمه، مکشوفه از کاوشهای محوطه ربط ۲.

آجرهای چارک

این آجرها عموماً در اندازه (۱۶×۱۶×۸) سانتی‌متر، (۱۴/۵×۱۴/۵×۸) سانتی‌متر و (۱۶/۵×۱۶×۸) سانتی‌متر بدست آمده که به عنوان ابعاد استاندارد این گونه در نظر گرفته شده است (حیدری، ۱۳۸۵: ۶۲) (تصویر شماره ۹).



تصویر شماره ۹: نمونه‌ای از آجرهای چارک، مکشوفه از کاوشهای محوطه ربط ۲.

آجرهای کنگره‌ای

آجرهای کنگره‌ای نوع دیگری از آجرهای محوطه ربط ۲ و نشانگر توانمندیهای بالای تکنیکی و هنری ساکنان این محل هستند. آجرهای کنگره‌ای عموماً دارای زائده‌ای در پشت خود هستند که برای قرارگیری بهتر در محل مورد نظر ایجاد شده است. این نوع دارای ابعاد متفاوتی تا ۶۰ سانتی‌متر بوده و ضخامت آنها بین ۳ تا ۶ سانتی‌متر متغیر است. اکثر قطعات بدست آمده در دو فصل کاوش شامل قطعات شکسته و بعضاً

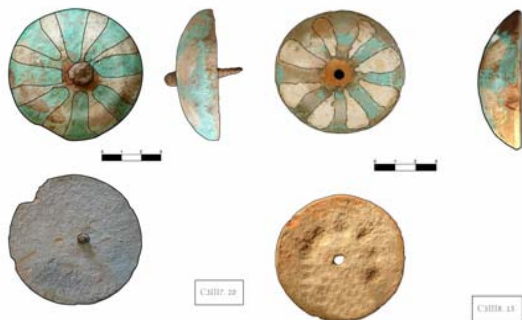
تقسیم بندی نمود. گل میخ های محدب به طور متوسط دایره ای به قطر حدود ۹/۵ سانتی متر دارند که قسمت منقوش بالای آنها کاملاً بر آمده و پشت آنها کاملاً صاف است و سوراخی درست



تصویر شماره ۱۴: نحوه پراکندگی آجرها در یکی از ترانشه های فصل دوم کاوش.

در وسط و ضخیم ترین بخش آنها تعبیه شده که حدود ۲/۸ سانتی متر ضخامت دارد. در برخی موارد بقایای میخ آهنی به طول ۳ سانتی متر بر روی گل میخ ها دیده می شود. سر میخ ها عموماً گرد و بدنه آنها ۴ گوش است. بر سطح گل میخ های محدب عموماً نقش گل هشت پر با لعاب سفید بر زمینه فیروزه ای و یا نقش گل هشت پر با لعاب زرد بر زمینه ی فیروزه ای تصویر شده است (حیدری، ۱۳۸۶: ۲۱۰) (تصویر شماره ۱۵).

گل میخ های نوع دوم صفحه تخت هستند. این گل میخ ها به صورت دایره با قطر بین ۹/۵ الی ۱۰ سانتی متر ساخته شده اند و ضخامت آنها حدود ۱/۵ سانتی متر است. در وسط آنها سوراخی تعبیه شده که در برخی موارد میخ های آهنی مخصوص نصب



تصویر شماره ۱۵: نمونه ای از گل میخ سفالی محدب مکشوفه از کاوش محوطه ربط ۲

های مورد کاوش به نسبت وسعت تمام محوطه هر گونه نتیجه گیری در خصوص کاربرد آجرها عملی شتاب زده است.



تصویر شماره ۱۲: نمونه ای از ترانشه های کاوش در فصل دوم

اما نکته مهم در خصوص مطالعه این آجرها نحوه ی قرار گیری آنها بر روی کف است. این آجرها اغلب به گونه ای قرار گرفته اند که نقش روی آنها به سمت پایین (تصویر شماره ۱۳) و به صورت شمالی - جنوبی بوده و نمونه ها بسیار پراکنده بوده اند (تصویر شماره ۱۴). به علاوه اکثر آجرها دارای نقوشی در سطح و در قسمت کم عرض بوده اند.



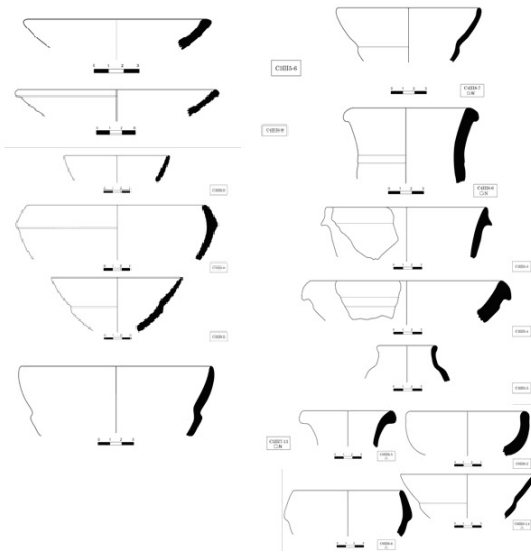
تصویر شماره ۱۳: یکی از آجرهای مکشوفه در ترانشه C5III3 در فصل اول کاوش.

به دیگر سخن آنچنان که از مطالعه گزارشات دو فصل کاوش در محوطه ربط ۲ برمی آید تمامی این آجرها به صورتی کاملاً درهم و بدون اسلوب مشخص معماری بدست آمده اند.

گل میخ های سفالی

بخش دیگری از یافته های دو فصل کاوش، گل میخ های سفالی است که می توان آنها را در دو دسته محدب و صفحه تخت

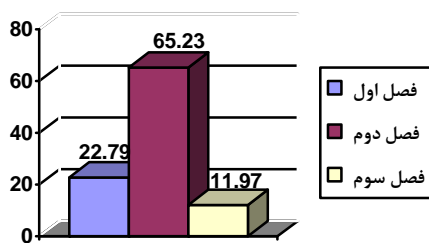
۱۳۸۴: ۴۸-۴۶ و حیدری، ۱۳۸۶: ۲۱۱). سفالهای این مجموعه شباهت های زیادی با سفالهای محوطه های باستانی مانایی مانند قالایچی، زیویه و کول تاریکه دارد (حیدری، ۱۳۸۵: ۶۳) (طرح شماره ۱).



طرح شماره ۱: طرح های سفالهای شاخص مکشوفه از کاوش محوطه ربط ۲

مطالعه آجرهای لعابدار محوطه باستانی ربط ۲

مجموعاً از سه فصل کاوش باستانشناختی محوطه ربط ۲، ۱۲۱۱ قطعه آجر بدست آمد که از این تعداد ۲۷۶ قطعه آجر (۲۲/۷۹٪) مربوط به فصل اول (کارگر، ۱۳۸۴)، ۷۹۰ قطعه آجر (۶۵/۲۳٪) مربوط به فصل دوم (حیدری، ۱۳۸۵) و ۱۴۵ قطعه آجر (۱۱/۹۷٪) مربوط به فصل سوم کاوش است (حیدری، ۱۳۸۷) (نمودار شماره ۱).



نمودار شماره ۱: نمودار فراوانی آجرهای

تفاوت در تعداد آجرهای یافت شده در فصول مختلف، به دلیل تفاوت در ابعاد ترانسه ها مورد کاوش در هر فصل و محل

گل میخ در آن باقی مانده است. این میخ ها همانند میخ های آهنی در گل میخ های محذب هستند. سطح رویی گل میخ های تخت با نقش گل های هشت پر و شانزده پر تزئین شده و گل ها با لعاب یک در میان سفید و فیروزه ای و یا زرد و فیروزه لعابدهی شده اند. در برخی موارد حتی قسمت کم ضخامت دور تا دور گل میخ ها نیز با لعاب فیروزه ای لعابدهی شده است (همان: ۲۱۱) (تصویر شماره ۱۶).



تصویر شماره ۱۶: نمونه هایی از گل میخ های سفالی صفحه تخت

سفال

بی تردید یکی از مهمترین داده های هر کاوش باستان شناسی مدارک سفالی است. بیش از ۱۸۲۳۲ قطعه سفال از جمله مهمترین داده های باستان شناسی فصل اول کاوش محوطه ربط ۲ بوده است. باز بینی آمار ارائه شده مشخص می نماید که به طور متوسط از هر ترانسه حدود ۶۰۰ قطعه سفال بدست آمده است. بیشترین رنگ پوشش سفال های نخودی و آجری با دو طیف روشن و تیره است. بخش اعظم قطعات سفالی دارای پخت کامل دارند و فرم کلی سفالها در تقسیم بندی های صورت پذیرفته با عنوان فرم معمولی نامیده شده است. بیشتر سفالها چرخسازند و از مواد چسباننده مختلفی چون شن نرم در خمیره سفالها بهره گرفته شده است. فرم های ظریف و سفالهای دست ساز نیز بخشی از سفالهای مورد مطالعه اند و حجم اندکی را به خود اختصاص می دهند. از جمله دیگر یافته های سفالی می توان به ظروفی اشاره کرد که در بخش بیرونی آنها با لعابهای به کار رفته در آجرها، پوشش داده شده و نمونه های تقریباً مشابهی از آنها از کاوش های زیویه و خصوصاً قالایچی بوکان بدست آمده است (کارگر

آجرهای لعابدار

آجرهای لعابدار يافت شده از محوطه را می‌توان به صور مختلف تقسیم بندی نمود. تقسیم بندی صورت گرفته در این نوشتار بر مبنای نقش مایه‌های به کار رفته در آجرهاست. این تقسیم بندی به شرح زیر است:

- ۱- آجرهای لعابدار با نقش هندسی
- ۲- آجرهای لعابدار با نقش گیاهی
- ۳- آجرهای لعابدار با نقش هندسی و گیاهی
- ۴- آجرهای لعابدار با نقش انسانی
- ۵- آجرهای لعابدار با نقش حیوانی
- ۶- آجرهای لعابدار با نقش اساطیری
- ۷- آجرهای کتیبه دار
- ۸- آجرهای لعابدار با نقش لعاب ساده
- ۹- آجرهای لعابدار با نقش نامفهوم

آجرهای لعابدار با نقش هندسی

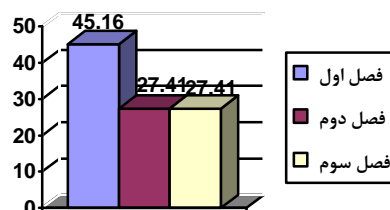
آجرهای قرار گرفته در این گروه، دارای ۱۶۱ نقش مایه مختلف هستند. نقش مایه‌های هندسی را می‌توان به چهار زیر گروه دیگر تقسیم بندی کرد:

- ۱- آجرهای با نقش گیس باف (در هم تنیده)
- ۲- آجرهای با نقش دواير متحدالمرکز (دواير تو در تو)
- ۳- آجرهای با نقش دواير متحدالمرکز احاطه شده در داخل نیم دایره ها
- ۴- آجرهای با نقش لوزی

آجرهای هندسی با نقش گیس باف

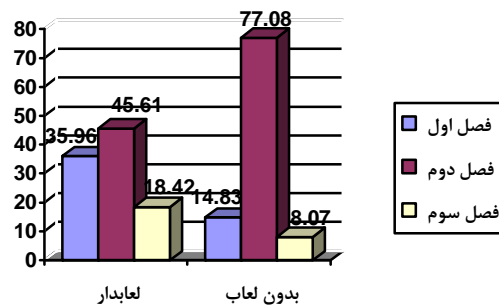
این نقش بر روی ۹ قطعه آجر مورد مطالعه قرار گرفته است. بهترین آجر از نقش مایه های هندسی گیس باف مربوط به یک آجر چارک سالم است که از فصل اول به دست آمده و ابعاد آن ۱۴×۱۴ سانتی متر و ضخامت آن ۷/۵ سانتی متر است. در قسمت کم عمق آجر، نقش ۴ دایره کوچک به هم تنیده دیده می‌شود. هنرمند دایره ها را با دو رنگ زرد و سفید به صورت یک درمیان و داخل دایره ها را با لعاب سبز تیره لعابدهی نموده و بخش‌های فاقد نقش بر روی آجر (پس زمینه) لعاب سبز تیره دارد. بخش‌های دیگر آجر کاملاً ساده و بدون لعاب است

ایجاد آنها است. آجرهای مکشوفه را می‌توان به دو بخش سالم و شکسته تقسیم بندی نمود. منظور از آجرهای سالم نمونه‌هایی است که ابعاد و اندازه های آنها قابل اندازه گیری و تمام زوایای آنها قابل بررسی و مطالعه باشد. نمونه‌های غیرقابل اندازه گیری و مطالعه، در گروه آجرهای شکسته قرار داده شده اند. بر این اساس، ۲۸ قطعه آجر (۴۵/۱۶٪) از فصل اول، ۱۷ قطعه آجر (۲۷/۴۱٪) از فصل دوم و ۱۷ قطعه آجر (۲۷/۴۱٪) از فصل سوم در گروه آجرهای سالم قرار می‌گیرند که جمعاً شامل ۶۲ قطعه است (نمودار شماره ۲).



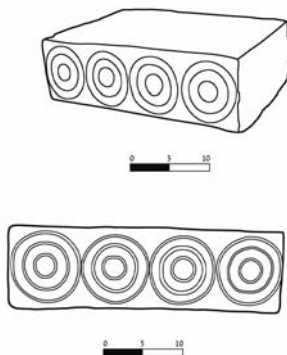
نمودار شماره ۲: نمودار فراوانی آجرهای سالم

از دیدگاه دیگر آجرها به دو دسته ی لعابدار (منقوش) و بدون لعاب (ساده) قابل تقسیم بندی هستند. از مجموع ۴۵۶ قطعه آجر لعابدار يافت شده از ۳ فصل کاوش تپه ربط ۲، ۱۴۶ قطعه (۳۵/۹۶٪) مربوط به فصل اول، ۲۰۸ قطعه (۴۵/۶۱٪) مربوط به فصل دوم و ۸۴ قطعه (۱۸/۴۲٪) مربوط به فصل سوم کاوش است. آجرهای بدون لعاب نیز شامل ۷۵۵ قطعه می‌گردد. از این تعداد، ۱۱۲ قطعه (۱۴/۸۳٪) مربوط به فصل اول، ۵۸۲ قطعه (۷۷/۰۸٪) مربوط به فصل دوم و ۶۱ قطعه (۸/۰۷٪) مربوط به فصل سوم کاوش است (نمودار شماره ۳).



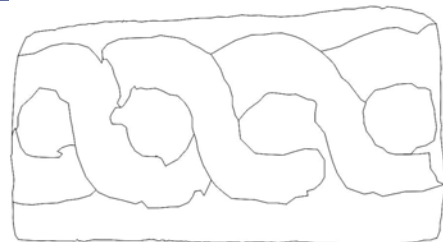
نمودار شماره ۳: نمودار فراوانی آجرهای لعابدار و بدون لعاب

نمونه شاخص این مجموعه مربوط به کاوش فصل دوم و قطعه آجری شکسته است که ابعاد باقی مانده آن $۳۳/۵ \times ۲۷/۵$ سانتی متر بوده و ۹ سانتی متر ضخامت دارد. طرح در قسمت کم عرض و بر روی زمینه فیروزه‌ای نقش شده و شامل ۴ دایره‌ی متحدالمرکز است. هر کدام از دایره‌ها شامل سه دایره‌ی تو در تو است. دایره‌ی بزرگتر به قطر $۷/۷$ سانتی متر و به ضخامت $۱/۳$ سانتی متر دارای لعاب زرد است. لعاب دایره‌ی میانی به قطر $۵/۲$ سانتی متر و به ضخامت $۱/۴$ سانتی متر از بین رفته و احتمالاً دارای لعاب سفید بوده و دایره‌ی مرکزی با قطر $۲/۷$ سانتی متر دارای لعاب فیروزه‌ای است. دورگیری این دوایر با لعاب سبز تیره صورت گرفته و مشخصات سایر دوایر نیز عیناً با دایره‌ی موصوف مطابقت دارد (حیدری، ۱۳۸۵: ۲۰۸، آجر شماره ۵۳) (تصویر شماره ۱۸). نکته حائز اهمیت در خصوص این نقش، استفاده مکرر از آن در حوزه سرزمینی ایران بر روی انواع و اقسام دست ساخته‌های باقی مانده به عنوان تزئین است. این نقش به گونه‌ای بسیار معنا دار در سبک اورارتو نیز تجلی می‌یابد.



تصویر شماره ۱۸: آجر شکسته با نقش دوایر متحدالمرکز

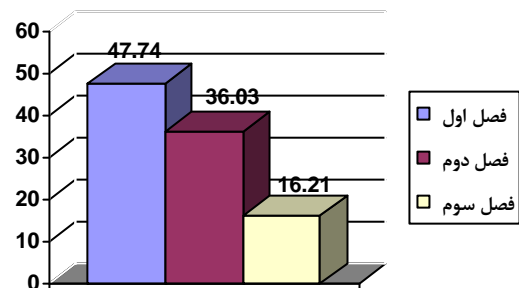
(کارگر، ۱۳۸۴: ۵۴، آجر شماره ۱) (تصویر شماره ۱۷). نقش گیس باف از قدیمی‌ترین نقش مایه‌های متداول در دنیای باستان است. با توجه به سبک به کار رفته در این نمونه، می‌توان این نقش را به سبک بین‌النهرینی (آشور) منتسب نمود.



تصویر شماره ۱۷: آجر چارک با نقش گیس باف

آجرهای هندسی با نقش دوایر متحدالمرکز

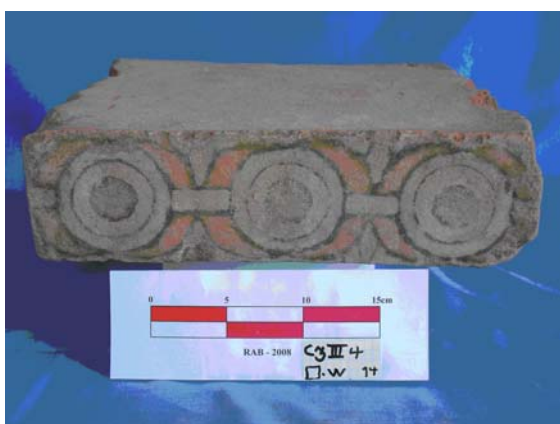
زیر گروه دوم از آجرهای با نقش هندسی شامل نمونه‌هایی با نقش دوایر متحدالمرکز است. مجموعاً ۱۱۱ قطعه آجر با نقش دوایر متحدالمرکز از سه فصل کاوش، مورد مطالعه قرار گرفت که از این تعداد ۵۳ قطعه ($۴۷/۷۴\%$) مربوط به فصل اول، ۴۰ قطعه ($۳۶/۰۳\%$) مربوط به فصل دوم و ۱۸ قطعه ($۱۶/۲۱\%$) مربوط به فصل سوم کاوش است (نمودار شماره ۴).



نمودار شماره ۴: نمودار فراوانی آجرهای هندسی با نقش دوایر

متحد المركز طرح شده در قسمت كم عرض آجر با دایره‌ای موصوف مشابهت دارد. تمام خطوط این دواير متحد المركز و نیم دایره‌ها با لعاب سبز تیره دورگیری شده اند (حیدری، ۱۳۸۷: آجر شماره ۱۴) (تصویر شماره ۱۹).

بر اساس مطالعات صورت گرفته نمونه مشابه این نقش تا کنون از هیچ محوطه باستانی گزارش نشده است. محوطه باستانی ربط ۲ برای اولین بار معرف وجود چنین نقشی است. با این توضیح این نقش به طور مشخص مؤید سبک هنر (محلی) مانائی است.



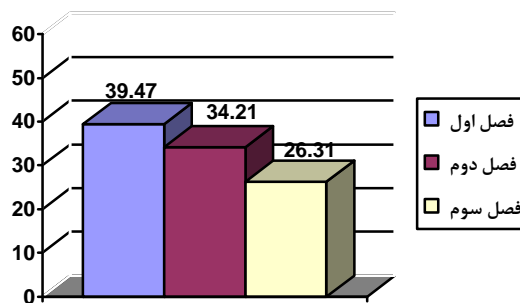
تصویر شماره ۱۹: آجر با نقش دواير متحدالمركز احاطه شده در داخل نیم دایره ها

آجرهای هندسی بانقش لوزی

شاخص‌ترین نمونه‌ی نقش لوزی از کاوش فصل اول بدست آمده و قطعه آجر چارکی کاملی با ابعاد 14×14 سانتی متر و ضخامت ۸ سانتی متر است. نقش در قسمت کم عرض آجر و بر روی زمینه‌ی فیروزه‌ای ایجاد شده و شامل یک لوزی بزرگ با لعاب زرد است. داخل این لوزی لعاب سفید دارد (کارگر، ۱۳۸۴: ۵۴، آجر شماره ۴) (تصویر شماره ۲۰).

آجرهای هندسی بانقش دواير متحدالمركز احاطه شده در داخل نیم دایره ها

مجموعاً ۳۸ آجر با این نوع نقش مورد مطالعه قرار گرفته است. از این تعداد ۱۵ قطعه (39.47%) مربوط به فصل اول، ۱۳ قطعه (34.21%) مربوط به فصل دوم و ۱۰ قطعه (26.31%) مربوط به فصل سوم کاوش است (نمودار شماره ۵).

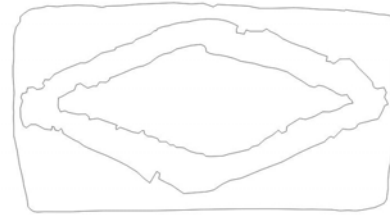


نمودار شماره ۵: نمودار فراوانی آجرهای هندسی بانقش دواير متحدالمركز احاطه شده در داخل نیم دایره ها

بهترین نمونه از این زیرگروه از کاوش فصل سوم بدست آمده و قطعه آجر کاملی با ابعاد آن $34 \times 33/5$ سانتی متر و ضخامت ۹ سانتی متر است. نقش در قسمت کم عرض آجر و بر روی زمینه‌ی فیروزه‌ای ایجاد شده و شامل سه دایره‌ی متحدالمركز احاطه شده درون دو هلال است. قطر دایره‌ی بیرونی $7/3$ سانتی متر، ضخامت آن $1/3$ سانتی متر و دارای لعاب فیروزه‌ای است. قطر دایره‌ی میانی $5/4$ سانتی متر بوده و لعاب سفید دارد. قطر دایره‌ی مرکزی ۳ سانتی متر و دارای لعاب سبز تیره است. این دواير متحد المركز بین دو نیم دایره به صورت هلال احاطه شده اند که لعاب زرد تیره دارد. قطر یکی از این نیم دایره ها $7/4$ سانتی متر و ضخامت آن در قسمت پایینی $1/3$ سانتی متر و در قسمت میانی ۲ سانتی متر است. برای اتصال دواير متحدالمركز به یکدیگر و تقسیم کردن هلال ها به دو نیم هلال، مستطیلی به طول ۴ سانتی متر و عرض $1/5$ سانتی متر ایجاد شده که لعاب آن به علت پایین بودن کیفیت از بین رفته است. ما بین نیم هلال ها در قسمت بالا و پایین طرح لوزی نقش شده که ابعاد آن در قسمت پایینی ۸ میلی متر، در قسمت میانی ۱ سانتی متر و در قسمت بالایی ۸ میلی متر است. مشخصات عمومی سایر دواير

نمونه‌ی شاخص آجرهای لعابدار با نقش گیاهی از کاوش فصل سوم بدست آمده و قطعه‌ای آجر کنگره‌ای است که قسمتهایی از آن شکسته و ابعاد باقی مانده‌ی آن ۳۱×۳۲ سانتی متر و ضخامت آن ۵ سانتی متر است. طرح در سطح آجر و بر روی زمینه‌ی فیروزه‌ای نقش شده است. نمونه مورد مطالعه بخشی از قسمت انتهایی آجر کنگره‌ای و نقش مربوط به قسمت انتهایی (بالایی) و مرکزی یک نقش گیاهی است. به علت شکستگی آجر، از بخش ابتدایی (پایینی) آن اطلاعی در دست نداریم. طرح شامل یک ساقه‌ی مرکزی است که شاخه‌هایی از آن به صورت قرینه در دو طرف جدا شده و نقش‌های همسانی را به وجود آورده است. ساقه‌ها دارای لعاب سفید هستند و در انتهای هر شاخه، گلبرگ و غنچه طراحی شده است. در قسمت مرکزی آجر نقش دو گل به صورت قرینه در انتهای شاخه‌ها طراحی شده است. گل دارای ۹ گلبرگ است که یک در میان لعابهای زرد و سفید دارند. کلاهک دارای لعاب زرد و فیروزه-ای و کاسبرگ دارای لعاب سفید است. در انتهای شاخه‌ها غنچه‌هایی طراحی شده که هر یک از دو قسمت مجزا تشکیل شده اند و در قسمت بیرونی دارای لعاب زرد و در قسمت درونی دارای لعاب فیروزه‌ای هستند. در قسمت بالایی آجر کنگره دار و در انتهای ساقه‌ی مرکزی، گلبرگی طراحی شده که با سایر گلبرگهای نقوش گیاهی توصیف شده مشابهت دارد. در این نقش تمام خطوط با لعاب سبز تیره دورگیری شده اند (حیدری، ۱۳۸۷: آجر شماره ۱۴-۱۳-۱۲) (تصویر شماره ۲۱).

با توجه به کثرت و مشابهت نزدیک این نقش با نقش مایه‌های به کار رفته در سبک هنری اورارتو، می‌توان موجودیت این نقش را به سبک هنری اورارتویی منتسب دانست. هر چند اشاره به این نکته لازم است که تصاویر درخت زندگی بر روی آجرهای رباط با تغییراتی چند محتملاً مؤید دیدگاه هنری خاصی است که منجر به وجود آمدن نقش متفاوتی از درخت زندگی می‌گردد که در قالب هنری با مشخصات مختص منطقه مانا قابل پیگیری است.

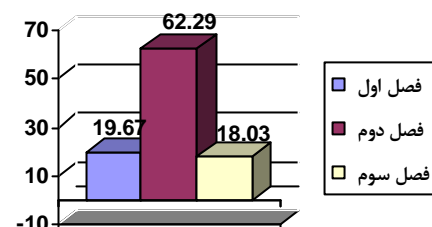


تصویر شماره ۲۰: شاخص ترین نمونه آجر با نقش لوزی

این نماد در هنر ارتباط تنگاتنگی با الهه ایشتر (اینانا) داشته و به نظر می‌رسد که لوزی نقش محافظتی سحرآمیزی داشته است (بلک، ۱۳۸۳: ۲۵۵). با عنایت به موارد موصوف نقش لوزی و بهره‌گیری از آن در رباط، بیش از هر محل دیگری معرف سبک بین‌النهرینی است.

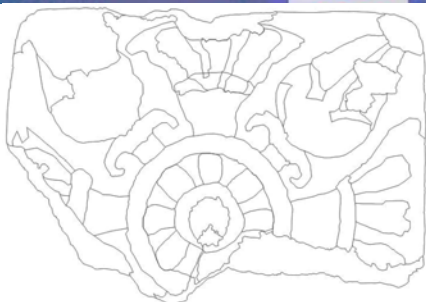
آجرهای لعابدار با نقش گیاهی

نقوش گیاهی نمونه‌ی دیگری از تقسیم‌بندی‌های انجام پذیرفته در تفکیک نقش‌مایه‌های موجود بر روی آجرهای مورد مطالعه است. مجموعاً از این نقش ۶۱ نمونه مورد مطالعه قرار گرفته که از این تعداد ۱۲ نقش (۱۹/۶۷٪) از فصل اول، ۳۸ نقش (۶۲/۲۹٪) مربوط به فصل دوم و ۱۱ نقش از این نوع آجر (۱۸/۰۳٪) مربوط به فصل سوم کاوش است (نمودار شماره ۶).

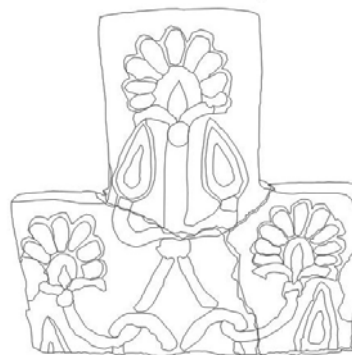


ضخامت ۸ سانتی متر است. طرح در سطح آجر و بر روی زمینه‌ی سبز تیره نقش شده و شامل ۳ دایره‌ی متحدالمرکز در میانه طرح است. قطر دایره‌ی بیرونی ۸ سانتی متر و دارای لعاب زرد، قطر دایره‌ی میانی ۵ سانتی متر و دارای لعاب سفید و قطر دایره‌ی مرکزی ۲/۵ سانتی متر و دارای لعاب زرد است. فضای خالی بین دو دایره توسط ۸ گلبرگ با لعاب سبز تزیین شده و فضای خالی گلبرگها با لعاب سفید لعابدهی گردیده است. دو غنچه به طول ۱۵ سانتی متر به صورت قرینه به موازات دو گوشه‌ی آجر طراحی شده که برای ایجاد آنها از لعابهای زرد، فیروزه-ای و سفید بهره گرفته شده است. ما بین غنچه‌ها گل‌هایی به مرکزیت دایره‌ی بیرونی نقش شده است. گل‌ها دارای کاسبرگ با لعاب فیروزه‌ای، کلاهک با لعاب زرد و گلبرگ ۸ پر هستند. این گلبرگ‌ها یک در میان دارای لعاب سفید و سبز تیره‌اند (کارگر، ۱۳۸۴: ۵۸، آجر شماره ۲) (تصویر شماره ۲۲).

سبک هنری نقش هندسی و گیاهی با توجه به قدیمی‌ترین شواهد، مربوط به حوزه سرزمینی آشور است. این نقش علاوه بر آشور در سرزمین‌های اورارتو، ایلام و مانا نیز مورد استفاده بوده است؛ اما با عنایت به مطالب موصوف، سبک به کار رفته آشوری است.



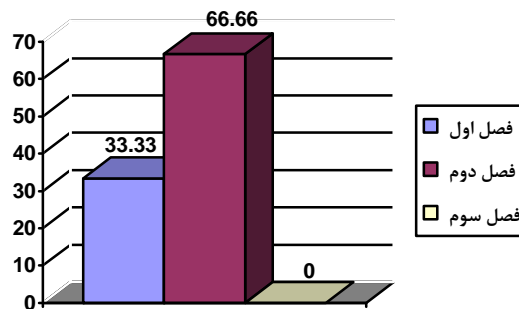
تصویر شماره ۲۲: آجر با نقش هندسی و گیاهی



تصویر شماره ۲۱: آجر کنگره‌ای با نقش گیاهی.

آجرهای لعابدار با نقش هندسی و گیاهی

نقش‌های هندسی و گیاهی نمونه‌ی دیگری از نقوش موجود بر روی آجرهای این محوطه است. مجموعاً از این نقش ۶ نمونه به دست آمده که از این تعداد ۲ نمونه (۳۳/۳۳٪) مربوط به فصل اول و ۴ نمونه (۶۶/۶۶٪) مربوط به فصل دوم بوده و از این نقش از فصل سوم کاوش به دست نیامده است (نمودار شماره ۷).



نمودار شماره ۷: نمودار فراوانی آجرهای لعابدار با نقش هندسی و گیاهی

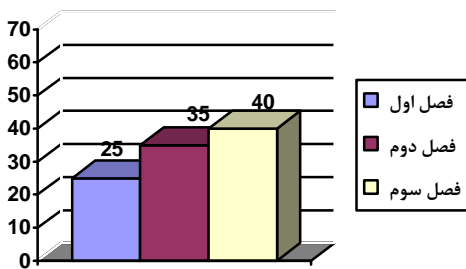
بهترین نمونه از این نقش از کاوش فصل اول بدست آمده و

قطعه آجر شکسته‌ای با ابعاد باقی مانده ۲۴×۲۱ سانتی متر و



تصویر شماره ۲۳: شاخص ترین نمونه آجر با نقش انسانی

داشت؛ اما تقسیم بندی حاضر صرفاً با توجه به نمونه‌های موجود انجام شده است. مجموعاً ۲۰ نمونه با نقش مایه‌ی حیوانی یافت شده است. از این تعداد ۵ نمونه (۲۵٪) از فصل اول، ۷ نمونه (۳۵٪) از فصل دوم و ۸ نمونه (۴۰٪) از فصل سوم کاوش بدست آمده است (نمودار شماره ۹).

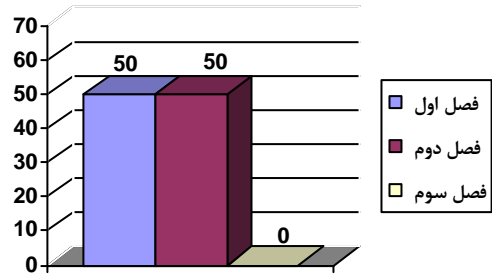


نمودار شماره ۹: نمودار فراوانی آجرهای لعابدار با نقش حیوانی

بهترین نمونه از این نقش مربوط به کاوش فصل اول بوده و قطعه آجر کاملی با ابعاد ۳۳/۵×۳۳ سانتی متر و ضخامت ۱۰ سانتی متر است. طرح در سطح آجر و بر روی زمینه‌ی فیروزه‌ای نقش شده است. نقش شامل یک حیوان بالدار است و کل بدن حیوان لعاب زرد تیره دارد. دو پا و دو دست آن کاملاً مشخص

آجرهای لعابدار با نقش انسانی

نقوش انسانی نمونه‌ی دیگری از نقوش موجود بر روی آجرهای ربط است. مجموعاً از این نقش ۴ نمونه به دست آمده که ۲ نمونه (۵۰٪) مربوط به فصل اول، ۲ نمونه (۵۰٪) مربوط به فصل دوم بوده و نمونه‌های از فصل سوم کاوش به دست نیامد (نمودار شماره ۸).



نمودار شماره ۸: نمودار آجرهای لعابدار با نقش انسانی

شاخص ترین نمونه‌ی این نقش از کاوش فصل اول و بر قطعه آجر شکسته‌ای با ابعاد باقی مانده ی ۱۱×۱۳ سانتی متر و ضخامت ۳ سانتی متر بدست آمده است. نمونه مذکور بخش بالایی آجر کنگره‌ای است. طرح در سطح آجر و بر روی زمینه ی فیروزه‌ای نقش شده است. نقش شامل تصویر نیم رخ انسانی با صورت به سمت راست و فاقد ریش است. موها دارای لعاب سبز تیره بوده و در پشت سر جمع شده است. صورت و گوش دارای لعاب سفید بوده و ابرو، چشم درشت، بینی و لب هادارای لعاب سبز تیره اند. تمام خطوط صورت با لعاب سبز تیره دورگیری شده است. گردن بند یا شی تزئینی دور گردن یک در میان با لعاب های فیروزه‌ای و زرد لعابدهی شده است. بخش‌هایی از بدن که لعاب سفید دارد باقی مانده است (کارگر، ۱۳۸۴: ۵۷، آجر شماره ۷) (تصویر شماره ۲۳). با توجه به اینکه تنها یک نمونه از این نقش بدست آمده و بخش زیادی از آن از بین رفته است؛ نمی توان سبک هنری خاصی برای آن در نظر گرفت.

آجرهای لعابدار با نقش حیوانی

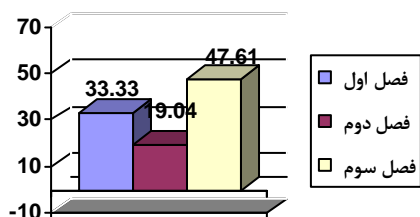
نقوش حیوانی یکی دیگر از نقوش موجود بر روی آجرهای ربط هستند. اگرچه در صورت بدست آمدن نمونه‌های کامل از این نقش‌ها به امکان قرار دادن هر یک از آنها به طور جداگانه وجود

های این گروه را می‌توان به زیر گروه‌های دیگری طبقه بندی کرد:

۱- نقش اساطیری الهه عریان

۲- نقش اساطیری تلفیقی

۳- نقش اساطیری مرد از روبه رو



نمودار شماره ۱۰: نمودار فراوانی آجر لعابدار با نقش اساطیری

نقش اساطیری الهه عریان

بهترین نمونه‌ی این زیرگروه از فصل سوم کاوش بدست آمده و قطعه آجری کنگره‌ای است که قسمت بالایی آن شکسته و ابعاد باقی مانده‌ی آن $۶۲ \times ۴۱/۵$ سانتی متر و ضخامت ۵ سانتی متر است. طرح در سطح آجر و بر روی زمینه‌ی فیروزه‌ای نقش شده است. نقش شامل الهه بالدار عریان بوده و کل بدن دارای لعاب سفید است. دو بال از شانه‌های الهه جدا شده و به صورت مورب در امتداد بدن قرار گرفته است. بالهای الهه از دو قسمت مجزا تشکیل شده است. قسمت بالایی بال دارای لعاب زرد و قسمتهای پایینی بال دارای پر بوده و پرها یک در میان دارای لعاب زرد و سفید هستند. دست‌های الهه از آرنج به سمت بالا بلند شده و لعاب سفید و انگشتانی به شکل پنجه شیر دارد. ماهیچه‌ها با خطوطی مشخص شده اند. قسمت بالا تنه‌ی الهه از روبه رو نقش شده و ناف به صورت حلزونی است. قسمت پایین تنه حیوانی و دمدار بوده و از نیم رخ طراحی شده است و لعاب سفید دارد. دم به سمت پایین کشیده شده و پنجه‌های پا نیز به صورت پنجه‌های شیر است. پشت آجر کول دار است (حیدری، ۱۳۸۷: آجر شماره ۱۳) (تصویر شماره ۲۵).

با نگاهی به نقش مایه زن یا الهه عریان در سه منطقه ایران، آشور و اورارتو و بر اساس تحلیل‌های صورت پذیرفته، می‌توان این نقش را بیش از هر حوزه دیگری، به منطقه آشور

است و دمی به سمت بالا و برگشته به خارج دارد. بخش‌هایی از بال قابل شناسایی است؛ اما متأسفانه بخش اعظم بال و صورت حیوان از بین رفته و به جز بدن، پاها و دم این حیوان، بخش‌های دیگر نقش قابل شناسایی نیست. به طور کلی صورت حیوان به سمت راست و پای و دست راست در حال حرکت به سمت جلو است. احتمالاً پنجه‌های حیوان، پنجه‌های شیر است و هنرمند تمام خطوط را با لعاب سیاه دورگیری کرده است (کارگر، ۱۳۸۴: ۷۱، آجر شماره ۱) (تصویر شماره ۲۴).

از آنجائیکه نمونه‌های اورارتویی مورد مقایسه همگی دارای تصاویر شیرهایی با دم برافراشته و همسان با نقش‌های موجوداند؛ می‌توان این گونه استنباط نمود که هنرمندان ربط در ایجاد نقش مایه شیر پیرو سبک هنری اورارتو بوده اند.



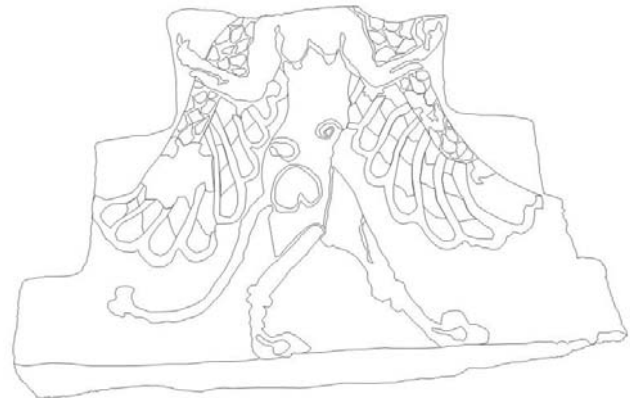
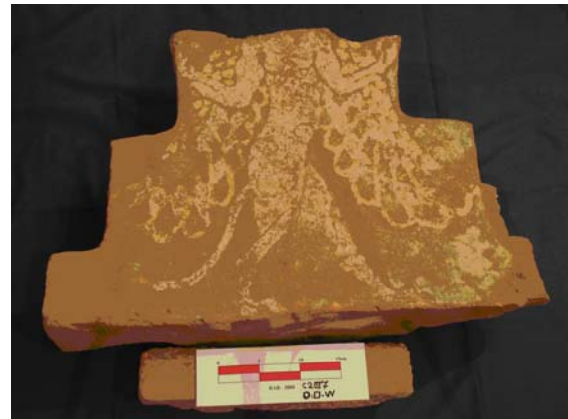
تصویر شماره ۲۴: آجر با نقش حیوانی

آجرهای لعابدار با نقش اساطیری

نقش اساطیری از دیگر نقوش موجود بر روی آجرهای محوطه باستانی ربط است. مجموعاً از این نقش ۲۱ نمونه مورد مطالعه قرار گرفته که از این تعداد ۷ نمونه ($۳۳/۳۳\%$) مربوط به فصل اول، ۴ نمونه ($۱۹/۰۴\%$) مربوط به فصل دوم و ۱۰ نمونه ($۴۷/۶۱\%$) مربوط به فصل سوم است (نمودار شماره ۱۰). نمونه-

پیشانی افتاده است. این موجود اساطیری تاجی شاخ دار با لعاب زرد تیره بر سر دارد. تاج در قسمت جلو به سمت بالا انحناء یافته است. صورت موجود اساطیری دارای لعاب سفید و ابروان آن به صورت کشیده و پیوندی با لعاب سبز تیره است. چشم‌ها درشت بوده و مرکز آن به صورت دایره در میان لعاب سفید با لعاب سبز تیره و به صورت برجسته مشخص شده است. لب‌ها خشک و بسته و چانه به صورت برجسته و دارای لعاب سفید است. بدن موجود اساطیری، حیوانی (احتمالاً شیر) و دارای لعاب زرد تیره است. نقش در اثر شکستگی ناقص گردیده و فقط دو پای عقبی آن قابل مشاهده است که لعاب زرد تیره داشته و پنجه‌های آن به صورت پنجه‌ی شیر است. پای چپ به سمت جلو و پای راست به سمت عقب طراحی شده و دم موجود اساطیری به سمت پایین بوده و لعاب زرد تیره دارد. سر دم نیز دارای لعاب سبز تیره است. بال، پا و سر بر روی یک سینه مشترک با یکدیگر در ارتباطند. این سینه به صورت برجسته به سمت جلو انحناء دارد و با لعاب زرد تیره مشخص گردیده است. بال موجود اساطیری به سمت بالا برافراشته و با استفاده از لعاب‌های زرد تیره، سفید و سبز تیره طراحی شده و استخوان بندی بالها و پرهای موجود اساطیری یک در میان با لعاب زرد تیره و سفید مشخص شده و داخل بالها نیز دارای لعاب سبز تیره است. قابل ذکر است که این نقش بر روی سطح آجر و از سمت راست به چپ به صورت نیم رخ طراحی شده است. هنرمند با استفاده از خطوط در قسمتهایی از بدن این موجود اساطیری ماهیچه‌ها را مشخص کرده و تمام نقش با لعاب سبز تیره دورگیری شده است (حیدری، ۱۳۸۷: آجر شماره ۹) (تصویر شماره ۲۶). به این نقش‌مایه هنری بیش از هر حوزه فرهنگ دیگری در فرهنگ اورارتو پرداخته شده است و به نظر می‌رسد که تحت تأثیر تفکرات مذهبی و هنری اورارتو (سبک اورارتویی) قرار داشته باشد.

منتسب کرد؛ هر چند انتصاب این سبک هنری به صورت کلی به هنر آشور چندان معقول به نظر نمی‌رسد زیرا بر اساس نمونه‌های مشابهی که از تپه قالاچی بوکان بدست آمده، این سبک با ورود به هنر مانا و با تغییرات عامدانه و به جهت بیان ایدئولوژی مذهبی و یا اجتماعی، به شکل حاضر متبلور می‌گردد. این نقش بدین شکل مشخصاً تحت تأثیر هنر مانایی به تصویر کشیده می‌شود. لازم به ذکر است که نقش مذکور تلفیقی از هنر سبک محلی مانایی با هنر آشوری به شمار می‌رود.



تصویر شماره ۲۵: آجر کنگره ای با نقش اساطیری الهه عریان

نقش اساطیری تلفیقی

بهترین نمونه‌ی از این نقش‌های از کاوش فصل سوم بدست آمده و قطعه آجر کاملی با ابعاد $33/5 \times 34$ سانتی متر و ضخامت ۱۰ سانتی متر بوده که بخش‌هایی از آن شکسته است. نقش ترکیبی سر انسان، بدن حیوان و بال پرنده در سطح آجر و بر روی زمینه فیروزه‌ای و با بهره‌گیری از لعاب‌های زرد، سفید و سبز تیره ایجاد شده است. سر انسانی به صورت نیم رخ بدون ریش و دارای تاج و موهای مجعد است. موهای دارای لعاب سبز تیره بوده و در پشت گردن جمع شده و قسمتهایی از آن بر روی

لعاب سفید و مردمک نیز با لعاب سبز تیره ایجاد شده است. بینی به صورت پهن و دارای لعاب زرد بوده و خطوط آن با لعاب سبز تیره دورگیری شده است. لبه بهت زده و دارای لعاب زرد بوده و با لعاب سبز تیره دورگیری شده است. ریش بلند مرد لعاب سبز تیره داشته و تا روی سینه ادامه دارد. کل صورت، گوش ها و گردن موجود اساطیری دارای لعاب زرد تیره است.

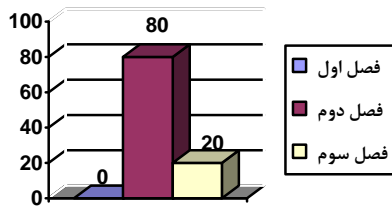
بدن موجود اساطیری نیز از رو به رو تصویر شده است. مرد لباسی بر تن دارد که دارای زمینه سفید با دایره های کوچکی به صورت منسجم با لعاب فیروزه ای است و لباس مرد آستین کوتاه بوده و تا کمر کشیده می شود. موجود اساطیری دو بال دارد که از شانه هایش جدا شده و به سمت پایین در امتداد بدن قرار گرفته و از دو قسمت تشکیل می شود. بال ها در قسمت بالایی دارای لعاب زرد تیره و در قسمت پایین به شکل پر با لعاب سفید و زرد است. دستهای موجود اساطیری از آرنج به سمت بالا بلند شده (احتمالاً نوعی از حالت احترام) و دارای لعاب زرد تیره و انگشتان انسانی است. چهار انگشت به هم چسبیده ولی انگشت شصت کاملاً باز و نسبت به انگشت های دیگر بزرگتر نقش شده است. موجود اساطیری در بازوانش دو بازویند دارد که دارای لعاب زرد تیره بوده و بازویندها به شکل مارپیچی به دور بازو پیچیده شده اند. بر روی مچ هر دو دست نیز مچ بند یا دست بند دیده می شود که به شکل دو دایره تو در تو است. دایره بی بیرونی به قطر ۲ سانتی متر دارای لعاب زرد تیره و دایره بی میانی به قطر ۱ سانتی متر دارای لعاب فیروزه ای است. بر روی کمر، کمربندی با دو ردیف نوار نقش شده که طول آن ۷/۵ سانتی متر و عرض آن ۲ سانتی متر و دارای لعاب فیروزه ای است. قسمت پایین تنه با چرخش بسیار کم به صورت سه ربع دیده می شود و دارای لعاب زرد بوده و حیوانی است. به دلیل شکستگی قسمتهایی از نقش فقط یک پا و قسمتهایی از بال بر روی آن باقیست. تنها بخشهای پایین بالهای پر مانند باقی مانده و دارای لعاب زرد و سبز تیره است. پاهای حیوانی و دارای لعاب زرد تیره است. تمام خطوط در نقش با لعاب سبز تیره دورگیری شده اند. بر پشت آجر بقایای زانده ای نیم استوانه ای قابل رویت است و موجب کول دار شدن آجر گردیده است. به علت شکستگی قطعات این آجر کنگره ای



تصویر شماره ۲۶: آجر شکسته با نقش اساطیری تلفیقی الهه بالدار

نقش اساطیری مرد از روبه رو

شاخص ترین نمونه ای این نقش مربوط به کاوش فصل سوم بوده و قطعه ای آجر کنگره ای است. بخشهایی از آن شکسته و به سه قطعه تقسیم شده است. طرح در سطح آجر و بر روی زمینه فیروزه ای نقش شده و به شکل انسان بالدار است. تصویر از رو به رو و با ریش بلندی ترسیم شده است. موجود اساطیری کلاهی بر سر دارد که به صورت نمادی با زمینه سفید و دایره های کوچک با لعاب فیروزه ای طراحی شده و در دو طرف کلاه، تاجی شاخ دار با لعاب زرد تیره نقش شده که در قسمت جلو به سمت بالا انحاء یافته است. موها مجعد و دارای لعاب سبز تیره بوده و بر روی پیشانی ریخته شده است. موهای بلند مرد نیز در پشت گردن تا روی شانه ادامه دارد. ابروهای این موجود اساطیری به صورت پیوندی و کشیده با لعاب سبز تیره طراحی شده، چشمان آن به صورت بادامی و بهت زده نقش شده که خطوط دور چشم دارای لعاب سبز تیره، سفیدی چشم دارای



نمودار شماره ۱۱: نمودار فراوانی آجرهای کتیبه دار

نقش شده است. بخش باقی مانده دقیقاً گوشه‌ی آجر است. در این قسمت بقایای یک همجای خط میخی متشکل از قسمت ناقص یک میخ کوچک و با کمی فاصله از آن سه میخ کوچک به صورت افقی دیده می‌شود. دو میخ کوچک پایینی به یکدیگر چسبیده‌اند و به یک میخ بزرگ به صورت عمودی ختم می‌شوند. اندازه تقریبی میخ‌های کوچک ۲/۷ سانتی‌متر و ارتفاع خط میخی بلند در حدود ۵ سانتی‌متر است. خطوط با لعاب سفید بر روی زمینه آجر اجرا شده‌اند. بر اساس قرائت صورت گرفته، ترجمه این قطعه [ha]-ba-[tu] به معنی غارت کردن؟ است (حیدری، ۱۳۸۵: ۱۹۴، آجر شماره ۱۷) (تصویر شماره ۲۸).



تصویر شماره ۲۸: اولین نمونه آجر کتیبه دار

دارای ابعاد متفاوتی است. بخش بالایی ابعاد ۱۶×۱۶ سانتی‌متر و ضخامت ۴ سانتی‌متر، در قسمت مرکزی ابعاد ۳۴/۵×۳۲ سانتی‌متر و ضخامت ۵ سانتی‌متر و در بخش پایینی ابعاد باقی مانده ۳۰×۲۷ سانتی‌متر و ضخامت ۴/۵ سانتی‌متر است (حیدری، ۱۳۸۷: آجر شماره ۷۸۹) (تصویر شماره ۲۷). سبک به کار رفته در این آجر بیش از هر حوزه دیگری شباهت‌های فراوان با سبک هنری بین‌النهرین و مشخصاً آشور دارد.



تصویر شماره ۲۷: آجر کنگره دار با نقش اساطیری تصویر مرد از روبرو

آجرهای کتیبه دار

آجرهای کتیبه‌دار یکی دیگر از آجرهای محوطه باستانی ربط بوده و ۵ نمونه از آنها مورد مطالعه قرار گرفته است. از این تعداد چهار نمونه (۸۰٪) از فصل دوم و یک نمونه (۲۰٪) از فصل سوم یافت شده و نمونه‌ای از فصل اول به دست نیامده است (نمودار شماره ۱۱).

اولین نمونه‌ی آجرهای کتیبه دار مربوط به کاوش فصل دوم و قطعه آجر شکسته‌ای با ابعاد باقی مانده ۱۰/۴×۱۰/۱ سانتی‌متر و ضخامت ۱۰ سانتی‌متر است. کتیبه در قسمت کم عرض آجر

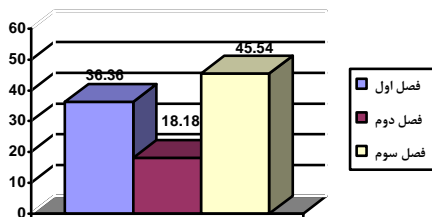
یا آدا است (حیدری، ۱۳۸۵: ۱۸۶، آجر شماره ۴۲) (تصویر شماره ۳۰). با توجه به نتایج تحقیقات انجام پذیرفته بر روی نوع نگارش و ترجمه متون مورد استفاده روی آجرهای مکشوفه از محوطه ربط ۲، به نظر می رسد که آجرهای این محوطه بیش از هر محل دیگری تحت نفوذ سبک آشوری بوده اند.



تصویر شماره ۳۰: سومین نمونه آجر کتیبه دار

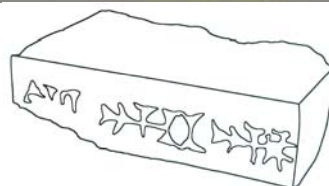
آجرهای با لعاب ساده

آجرهای با لعاب ساده یکی دیگر از تقسیم بندیهای موجود در ارتباط با آجرهای محوطه‌ی باستانی ربط است. مجموعاً از این نوع ۱۱ نمونه مورد مطالعه قرار گرفته که از این تعداد چهار نمونه (۳۶/۳۶٪) از فصل اول، ۲ نمونه (۱۸/۱۸٪) از فصل دوم و ۵ نمونه (۴۵/۵۴٪) از فصل سوم کاوش بدست آمده‌اند (نمودار شماره ۱۲).



نمودار شماره ۱۲: نمودار فراوانی آجرهای لعابدار با لعاب ساده

دومین نمونه آجر کتیبه‌دار از کاوش فصل دوم و به شکل قطعه آجر شکسته‌ای با ابعاد باقی مانده‌ی ۳۳×۲۲ سانتی متر و ضخامت ۹ سانتی متر است. در بخش کم عرض خط میخی با استفاده از لعاب سفید بر روی زمینه‌ی آجر اجرا شده است. بخش‌هایی از این کتیبه از میان رفته و دو ضلع دیگر این آجر ساده و بدون کتیبه‌اند. ترجمه این آجر **[u-nak-kā]- ru^dBel^dNabu** به معنی نابود کننده‌ی خدایان بعل و نبو است (حیدری، ۱۳۸۵: ۱۹۸، آجر شماره ۴۴) (تصویر شماره ۲۹).



تصویر شماره ۲۹: دومین نمونه آجر کتیبه دار

سومین نمونه‌ی آجر کتیبه‌دار یافت شده از کاوش فصل دوم و قطعه آجر کاملی به ابعاد ۳۲/۵ × ۳۳ سانتی متر و ضخامت ۹ سانتی متر است. در بخش کم عرض آجر کتیبه‌ای به خط میخی قرار دارد که متأسفانه انتهای آن مخدوش شده است. ارتفاع خطوط میخی به طور متوسط ۴/۲ سانتی متر و کمترین ارتفاع آنها در حدود ۱/۶ سانتی متر است. بخشی از قسمت کم عرض آجر نیز به دلیل فرارگیری در کادر اصلی تیشه‌ای شده است. اضلاع دیگر ساده و بدون کتیبه‌اند.

ترجمه این کتیبه **[a]-na^ma-ta/da** به معنی نام پادشاه آتا و

جهت ارائه مختصات زمانی در ارتباط با آجرهای لعابدار ربط ۲ از آزمایشات سالیابی به روش ترمولومینسانس استفاده شده است. این آزمایشات که بر روی پنج نمونه از آجرهای محوطه انجام گردیده، نشان دهنده تاریخگذاری مطلق حداقل ۲۶۸۰ و حداکثر ۲۸۳۰ با میانگین ± 128 سال است. از طرف دیگر با توجه به یافت شدن نمونه‌های مکتوب شامل آجرهای لعابدار با خط میخی می توان تاریخگذاری نسبی قرن هفتم تا قرن نهم قبل از میلاد را برای آجرهای موصوف ارائه نمود (بحرالعلومی، ۱۳۸۷: ۱-۵).

مطالعات ژئومغناطیس انجام شده در محوطه حاکی از وجود دیوارهای دیگری است (امین پور، ۱۳۸۵: ۴). از سوی دیگر از نحوه ریختن و حجم آجرها مشخص است که محوطه دارای بناهای مختلفی است که با ادامه کاوش در فصول آینده پدیدار خواهند گشت. همچنین با دقت در نحوه پراکنش آجرهای مورد مطالعه می توان نتیجه گرفت که آجرها مربوط به دیوارهای محاطی مربوط به بنا هستند. به علاوه با توجه به محتوای نقش و لعاب موجود در کنار تزئینات و موتیف های بکار رفته در آجرها می توان نتیجه گرفت که آجرهای مورد مطالعه مربوط به یک ساختار مذهبی اند.

در جریان پژوهش، آجرهای لعابدار محوطه ربط ۲ بر اساس قرابت های هنری و تکنیکی با نمونه های دو گروه درون و برون منطقه ای و به ترتیب با مناطقی چون ایلام، لرستان، شوش، تخت جمشید، زیویه، حسلو، مارلیک، قالاچی، املش، عمارلو، کلاردشت در ایران و خورس آباد، نینوا، بابل در بین النهرین و آلتین تپه، توپراک قلعه، کارمیربلور، آیانیس، چاوش تپه، آرماویر و آراین برد در حوزه فرهنگی اورارتو به عنوان شاخص-ترین مناطق دارای نمونه های مشابه با نقوش هندسی، گیاهی، حیوانی، هندسی و گیاهی، اساطیری، انسانی و ... مورد مقایسه قرار گرفتند. در این میان و با توجه به مطالعه و دسته بندی تمامی نقوش پیشگفته و مطابقت در چگونگی ساختار آجرها، می توان آجرهای محوطه قالاچی بوکان را که یکی از نزدیک ترین محوطه های مورد مقایسه با دستاوردهای مشابه است را به عنوان شبیه ترین نمونه ها نام برد.

با نگاهی به نتایج مطالعه و تقسیم بندی نقش مایه های به کار

نمونه آجر با لعاب ساده از فصل دوم کاوش، قطعه آجر چارکی است که قطعاتی از آن شکسته و ابعاد آن $17 \times 15/5$ سانتی متر و ضخامت آن $9/5$ سانتی متر است. قسمت کم عرض آجر با لعاب فیروزه ای لعاب دهی شده و یکی از برهای آجر به دلیل جاگیری مناسب در محل تیشه ای شده است (حیدری، ۱۳۸۵: ۱۷۶، آجر شماره ۲۵) (تصویر شماره ۳۱).



تصویر شماره ۳۱: آجر لعابدار با لعاب ساده.

برآیند

یافته های آجری بدست آمده از سه فصل کاوش باستان شناختی محوطه ربط ۲ و تحلیل و پالایش علمی این یافته ها می تواند به شناخت دقیق تر تفکرات تاریخی، مذهبی، سیاسی و حتی اجتماعی ساکنان این منطقه در خلال ادوار پیشین کمک شایان توجهی نماید. این فرآیند می تواند از دو دیدگاه تطبیقی ناشی شود. نخست پژوهش در زمینه نمونه های همجوار (درون منطقه- ای) و دوم گستردگی این پهنه مطالعاتی فراسوی محدوده اولیه (برون منطقه ای). جمع این مطالعات می تواند به فرآیند چرایی، چیستی و چگونگی شناخت وجوه این داشته ها کمک نماید. فرآیندی که با دستیابی به پاسخ سه پرسش مذکور می تواند به درکی عمیق تر و دقیق تر از آنچه موجب شکل گیری این عناصر شده است؛ منجر شود.

محوطه ربط ۲ در جنوب غربی شهر ربط و در کرانه شرقی رودخانه زاب کوچک در شهرستان سردشت استان آذربایجان غربی قرار گرفته است. آنچه در این تحقیق به آن پرداخته شده بررسی روشمندی است که می تواند در خصوص نتایج حاصله از کاوشهای باستان شناختی محوطه ربط ۲، جمع بندی در خصوص آجرهای بدست آمده از کاوش در این محوطه ارائه نماید.

(آشور و بابل نو) و نام پادشاه آتا یا آدا نام شاهک مانایی منطقه اشاره شده است. به نام این پادشاه در نوشته های سارگن دوم به عنوان شاه سرزمین شوردیرا (شوردا) و سرزمین آرزیزو در زمان پادشاهی آشورنصیرپال اشاره شده است (حیدری، ۱۳۸۵)

با این وصف شاید بتوان به اهمیت بیش از پیش این محوطه پی برد زیرا به استناد مدارک و شواهد پیش گفته می توان امیدوار بود که این محل با شاهک نشین مانایی شوردیرا در حمله هشتمین لشکرکشی سارگن دوم در سال ۷۱۴ قبل از میلاد مطابقت داشته باشد.

رفته در آجرهای محوطه ربط ۲، تطبیق تکنیکی و فنی ساخت این آجرها و با توجه به ماهیت تاریخی و محل قرارگیری محوطه ربط در حد فاصل دو امپراتوری آشور و اورارتو، تأثیر غیر قابل انکار این دو حکومت در محوطه ربط ۲ به وضوح دیده می شود. علیرغم این تأثیر، اشاره به این نکته حائز اهمیت است که صنعتگران و هنرمندان در خلق نقش مایه ها و دستاوردهای هنری همواره به گونه ای ملموس به خلق و بیان دیدگاهها و نظرات فنی و هنری خویش که تبلوری از چگونگی وضعیت سیاسی، اجتماعی و مذهبی محوطه ربط ۲ است؛ پرداخته اند. این هویت مستقل را می توان به عنوان نماد و نشانه ای از وجوه حکومتی مستقل مانا در این حوزه برشمرد.

گزارش لشکرکشی هشتم سارگن دوم در قالب نامه ای به خدای آشور تهیه شد. دو نسخه خلاصه تر از آن در سالنامه این پادشاه آمده است. این نامه از زمان انتشار آن در سال ۱۹۱۲ میلادی به بعد با توجه به اطلاعات فوق العاده ای که در بر دارد مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته و تلاش زیادی برای بازسازی خط سیر مذکور در گزارش روی نقشه کنونی منطقه مبذول شده است (مصدقی امینی، ۱۳۸۰: ۷-۳).

این بازسازی ها اکنون خود به دلیل کثرت مسیرهای مورد پژوهش نیاز به مطالعه ای جامع و کامل دارد، اما بی شک بسیاری از زوایای تاریک را می توان به مدد دستاوردهای پژوهشی میدانی مورد شناسایی قرار داد و در این میان دست یافته های مکتوب تا اندازه فراوانی نقشی تعیین کننده در جانمایی صحیح این نام جایها خواهند داشت.

محوطه ربط ۲ از این جهت و به واسطه کشف و ترجمه پنج آجرنوشته خط میخی می تواند یکی از محوطه های مهم در موضوع دست یابی به اطلاعات در خصوص حوزه فرهنگی مانا باشد. سه آجر از این مجموعه دارای کتیبه واضح و دو آجر دیگر به صورت سطحی و غیر قابل بازخوانی هستند. این کتیبه ها توسط رسول بشاش کنزق در ایران و برای اطمینان بیشتر توسط Ervin Finkel در موزه بریتانیا مورد بازخوانی و قرائت قرار گرفته و هر دو ترجمه مؤید موضوعی واحد بودند. خط مورد استفاده در آجرها آشوری نو و میخی است. در قرائت آنها به نام دو خدای بعل و نبو خدایان مورد پرستش در حوزه بین النهرین

منابع

فارسی

- افشار سیستانی، ا.، ۱۳۶۹، نگاهی به آذربایجان غربی، جلد اول، تهران، انتشارات آموزش نسل دانش.
- امین پور، ب.، ۱۳۸۵، گزارش ژئومغناطیس محوطه باستانی ربط ۲، آذربایجان غربی، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری صنایع دستی آذربایجان غربی.
- بحرالعلوم، ف.، ۱۳۸۷، گزارش سالیابی نمونه آجرهای لعابدار از کاوش تپه ربط سردشت، پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی و فرهنگی، آذربایجان غربی، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری صنایع دستی آذربایجان غربی.
- بلک، ج.، ۱۳۸۳، فرهنگنامه خدایان، دیوان و نهادهای بین النهرین باستان، ترجمه پیمان متین، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- حکیم زاده، ف.، ۱۳۸۳، سردشت در آئینه اسناد تاریخی، انتشارات مؤلف.
- حیدری، ر.، ۱۳۸۵، گزارش مقدماتی دومین فصل کاوش تپه ربط ۲ شهرستان سردشت، آذربایجان غربی، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری صنایع دستی آذربایجان غربی.
- ، ۱۳۸۶، نتایج دومین فصل پژوهشهای باستان شناختی در محوطه باستانی ربط سردشت، آبان و دی ۱۳۸۵، گزارشهای باستان شناسی (۷) (جلد اول)، مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه باستان شناسی ایران، تهران، پژوهشکده باستان شناسی، صص ۲۳۰-۲۰۱.
- حیدری، ر.، ۱۳۸۷، گزارش مقدماتی سومین فصل کاوش تپه ربط ۲ شهرستان سردشت، آذربایجان غربی، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری صنایع دستی آذربایجان غربی.
- رزاقی، ح. و فهیمی، ح.، ۱۳۷۵، گزارش مقدماتی گمانه زنی در تپه جلبر، آذربایجان غربی، آرشیو سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری آذربایجان غربی.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۳، طرح توسعه شهرستان سردشت، جلد اول، معاونت اقتصادی و برنامه ریزی آذربایجان غربی.
- طلائی، ح.، ۱۳۷۴، باستانشناسی و هنر ایران در هزاره اول پیش از میلاد، تهران، انتشارات سمت.
- کارگر، ب.، ۱۳۸۴، گزارش مقدماتی نخستین فصل کاوش تپه ربط ۲ شهرستان سردشت، آذربایجان غربی، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری صنایع دستی آذربایجان غربی.
- مصدق امینی، ف.، ۱۳۸۰، هشتمین لشکرکشی سارگن در بوته تحقیق، مجله باستان شناسی و تاریخ، سال پانزدهم.